

آشنایی با جریان القاعده پاکستان

حجت الاسلام و المسلمین مصطفی اسکندری

مقدمه

القاعده یکی از گروه‌های افراط‌گرای چند ملیتی است که مقرر فرماندهی و بخشی از نیروهای عملیاتی آن در خاک پاکستان قرار دارد. القاعده فرزند نامشروعی است که از پیوند بین وهابیت با اندیشه جهادی متولد شده است، لذا گروهی فوق‌العاده خطرناک است.

القاعده در پاکستان محصول پیوند ایدئولوژیک مکتب دیوبندیسیم و سلفی‌گری است. ورود سلفی‌گری به پاکستان به دوره جهاد مجاهدین افغانستان علیه اشغال این کشور توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق بر می‌گردد. در اوایل 1980 «سازمان مکتب الخدمه» برای استخدام نفراتی از کشورهای اسلامی به منظور مبارزه علیه کمونیست‌ها، توسط اسامه بن لادن و با حمایت لجستیکی، آموزشی و معنوی عربستان، پاکستان و آمریکا تأسیس شد. این تشکیلات در سال 1988 م. به سازمان «القاعده» - به معنای پایگاه جهاد یا «قاعدة الجهاد» - تغییر نام داد. لذا می‌توان گفت مهم‌ترین علت حضور القاعده در جنوب آسیا، مسائل پاکستان و افغانستان است.^[1]

ورود بن لادن به عنوان رهبر القاعده به افغانستان بدین صورت بود که در آوریل 1996 میلادی، مقامات سیاسی - امنیتی پاکستان تصمیم گرفتند بن لادن را برای پیشبرد مقاصد راهبردی خویش در افغانستان به خدمت بگیرند، لذا او را با پرواز اختصاصی از سودان به اسلام‌آباد و سپس به افغانستان انتقال دادند. در این زمان پیوند خویشاوندی او را با ملا محمد عمر برقرار ساختند و هر یک با دختر دیگری ازدواج کرد.^[2]

بعد از جنگ افغانستان، القاعده وارد پاکستان شد. حکومت پاکستان در دوره مشرف، رویکردی تعاملی را با القاعده در پیش گرفت و قرارداد آتش‌بس بین دولت مشرف و سران قبایل در 2006 میلادی، فرصت کافی را در اختیار القاعده گذاشت تا شبکه خود را در شرایط امن سامان دهد و موفق به یارگیری از داخل

اکثر نیروهای القاعده از قوم پشتون هستند و پایگاه های القاعده بیشتر در ایالت خیبر، بلوچستان و مناطق قبایلی است.^[3] اکثر افراد سرشناس القاعده در پاکستان، اصالتاً عرب هستند، اما به طرز عجیبی با جامعه و فرهنگ پاکستانی پیوند خورده اند.^[4] مناطق قبایلی محل تلاقی القاعده عرب، شبه قاره هند و آسیای مرکزی است.

بیش از 2000 نیروی خارجی عضو القاعده در منطقه قبایلی پاکستان پراکنده اند. این نیروها، عمدتاً مبارزانی از اعضای «جنبش اسلامی ازبکستان»، «جهاد اسلامی مصر»، «مجاهدین اسلامی لیبی»، و «جنبش اسلامی ترکستان شرقی»، محسوب می شوند. یکی از شاخه های قدرتمند القاعده در مناطق قبایلی، جنگجویان ازبک به رهبری «ظاهر یولداشف» هستند.^[5] یولداش از رهبران اسلام گرای آسیای مرکزی شمرده می شد و افراد تحت امر او عمدتاً ازبک، تاجیک و قرقیز بودند.^[6]

حدود 200 تا 300 جنگجوی اویغور نیز در مناطق قبایلی پاکستان در کنار سایر نیروها فعالند. کارکرد این نیروها ایجاد ناآرامی در ایالت «سین کیانگ» چین است، با این حال مأموریت محلی در پاکستان نیز دارند. آنها اصلی ترین نیرویی هستند که اتباع چین در پاکستان را هدف قرار می دهند.... تعداد نیروهای چینی در مناطق قبایلی نیز حدود 300 نفر است. اغلب این نیروها در جامعه قبیلہ ای منطقه مستحیل شده اند و از پایگاه اجتماعی درخوری برخوردارند.^[7]

القاعده علاوه بر نیروهای آشکار، دارای یک ارتش مخفی نیز می باشد که «لشکر الظل» خوانده می شود.^[8]

در مورد القاعده نکات متعددی قابل ذکر است که بررسی اجمالی آنها در پی خواهد آمد.

1. عوامل مؤثر در شکل گیری القاعده پاکستان

ایدئولوژی وهابی، فرقه دیوبندی، قومیت پشتون، وجود مناطق قبیلہ ای خود مختار، شرایط جغرافیایی ایالت خیبر، فقر اقتصادی، و وضعیت امنیتی پاکستان، همگی از عواملی هستند که در شکل گیری القاعده در پاکستان مؤثر بودند.

وجود افکار متعصبانه قومی- قبیله‌ای در محیط اجتماعی پاکستان، نقش فزاینده اسلام در تحولات سیاسی کشور، فعالیت منسجم و مؤثر پیروان مکتب دیوبندی، وجود مدارس مذهبی و مداخله کشورهای خارجی به ویژه عربستان، نیز از عمده‌ترین بسترهای فکری- اجتماعی رشد القاعده در پاکستان است.

القاعده پاکستان توانسته است با تلفیق ایدئولوژی‌های قومی و مذهبی مانند دیوبندیسم، پشتون‌یسم و سلفیسم که در مؤلفه‌های راهبردی یعنی «جهاد» به یکدیگر پیوند خورده‌اند، چشمه جوشانی برای تقویت و تعمیق خود مهیا کند. آنها آیین جهاد را یگانه راه مبارزه با کفر و شرک، به ویژه مبارزه با مکتب اهل بیت علیهم السلام، و اولیای مقدس که در منطقه رواج دارد می‌دانند. آیین «دیوبندی» در این هدف با سلفیسم وهابی مشترک است. آنها تا امروز بیش از 40 هزار مدرسه مذهبی در هند، پاکستان و آسیای مرکزی و همچنین افغانستان تأسیس کرده‌اند.^[9]

2. ایدئولوژی و نظام فکری القاعده

نظام فکری القاعده آمیخته‌ای از: سلفیسم، دیوبندیسم، قومیت‌گرایی پشتون، و جهادگرایی، بیگانه‌ستیزی، انترناسیونالیسم و جهان‌وطنی است که به دنبال تأسیس امارت اسلامی جهت دولت‌سازی ایدئولوژیک و اجرای شریعت اسلام است، اما به شدت فرقه‌گراست و تفکر حذفی و تکفیری دارد.

از مهمترین اصول مذهب وهابیون که القاعده اکنون در عملکرد خود به آن توسل می‌جوید، تکفیر هر مسلمانی است که با عقیده آنان هم‌رأی نباشد.^[10] اما در تفکر تکفیری القاعده، شیعه اولویت دارد و مقدم بر دیگران است. علاوه بر موارد یاد شده القاعده دارای باورهای آنارشیک است و با سیستم مرکزی ضدیت دارد.

القاعده در عین حال که ناسازگار با دولت مرکزی است و گرایش‌های آنارشیک دارد، اما با توجه به رابطه با سرویس اطلاعات پاکستان در دوره جنگ افغانستان، هم اکنون با ارتش پاکستان ارتباط سری دارد. علل این ارتباط به مسائل راهبردی چون تحولات کشمیر و افغانستان بر می‌گردد، و لذا لشکر طیبه به عنوان یکی از بازوهای القاعده در شبه قاره، همواره از حمایت ارتش پاکستان برخوردار بوده است.

اکثر سازمان‌های جهادی کشمیری در پیروی از آموزه‌های رادیکالیسم اسلامی، متحدان القاعده و عضو جبهه بین‌المللی اسلامی هستند. راهبرد این گروه‌ها با منافع پاکستان سازگار و علیه هند تدوین شده است. این فرایند باعث شد تا القاعده در کشمیر نیز حضور یابد و منطقه کشمیر به یکی از منابع مهم

استخدام نیروهای افراطی القاعده تبدیل شود. [البته] پس از 11 سپتامبر 2001 میلادی و چرخش ناگهانی مشرف و ارتش به سوی اتحاد با آمریکا برای مقابله با القاعده و طالبان، رشته‌های این پیوند به تدریج از هم گسسته شد.^[11]

3. نحوه جذب و آموزش نیرو توسط القاعده

القاعده از طریق ابزارهای ارتباطی مدرن به جذب نیرو و کادرسازی می‌پردازد. در جذب نیرو نیز از شیوه‌های زیر بهره می‌برد.

نفوذ در مدارس مذهبی و به کار گرفتن طلاب خارجی این مدارس؛ یارگیری و اجاره نیروهای رزمی از گروه‌های افراط‌گرای پاکستانی- کشمیری؛ جذب مهاجرن افغان در کوئته، پشاور و مناطق قبایلی؛ استخدام میلشای قبایل در قبال پرداخت مبالغ مختلف؛ انتقال عناصر اروپایی، عرب و آفریقایی القاعده به مناطق قبایلی پاکستان؛ جذب نیرو از طریق کشورهای عربی خلیج فارس مانند گروه‌های سلفی قطری، اماراتی و سعودی خصوصاً که در مدارس این کشورها شبکه‌های سازمان یافته‌ای وجود دارند که برای جذب نیرو و اعزام آنها به پاکستان فعالیت می‌کنند.^[12]

نیروهایی که در کشورهای دیگر مراحل جذب اولیه آنها فراهم شده، وارد پشاور می‌شوند. پشاور پاکستان نقطه تماس نیروهای تازه وارد القاعده است و از این طریق به مراکز القاعده در پاکستان هدایت می‌شوند.

در نظام القاعده، فرد تازه وارد در «مأسدة الانصار» ثبت نام شده و کلاس‌های عمومی را می‌گذرانند. به شرط تمایل برای کسب آمادگی اولیه به «بیت الضیافة» معرفی می‌شود، بعد از تأیید امنیتی و تکمیل شناسایی اولیه به «بیت الانصار»، سپس به «بیت الشهداء» و در مرحله آخر به اردوگاه آموزش نظامی معرفی می‌شود و با پایان آموزش‌های نظامی و اعتقادی، افراد مستعد به شکل ویژه‌گزینش شده و برای آموزش‌های تشکیلاتی به «بیت المرابطین» معرفی می‌شوند و در پایان با عضویت در «اردوگاه الخلافه» سازماندهی می‌شوند و با گذراندن مأموریت‌های آموزشی و آزمایشی در هسته‌های عملیاتی قرار می‌گیرند و به عنوان هسته‌های خاموش آماده اوامر القاعده در هر نقطه از دنیا هستند.^[13]

القاعده و تحریک طالبان پاکستان پایگاه‌های مشترک آموزشی در پاکستان دارند. مراکز و پایگاه‌های

مشترک آموزشی القاعده و تحریک طالبان در مناطق قبایلی هفتگانه است؛ مناطق «میرعلی» و «میران شاه» در وزیرستان شمالی، «وانا» و «جندوله» در وزیرستان جنوبی، «خار» در باجور، مالاکنده و کوهستان. [14]

مربیان نسل اول القاعده عمدتاً افسران ارتش مصر و یمن بودند، اما بعد از 2011 میلادی مربیان القاعده در پاکستان، غالباً پاکستانی هستند. [15] اگرچه شواهدی وجود دارد که از آموزش نیروهای القاعده توسط رژیم صهیونیستی حکایت می‌کند. [16]

4. القاعده و توسعه قلمرو عملیات

فعالیت القاعده در ابتداء تشکیل، محدود به افغانستان بود، اما بعد از حملات 11 سپتامبر 2001 میلادی به شبکه‌ای فرامنطقه‌ای تبدیل شده، و موج اول حملات را در سه کشور: یمن، کنیا، و اندونزی، انجام داد. موج دوم در اکتبر و نوامبر 2002 میلادی، در دو کشور عربستان و مراکش، موج سوم در آگوست 2003 میلادی در عراق و مالزی و موج چهارم در نوامبر 2003 میلادی، در عراق و عربستان و موج پنجم در 2003 میلادی، در ترکیه، اسپانیا، ایران و عراق، صورت گرفت.

در سطوح منطقه‌ای نیز حملات متعددی را در افغانستان، هند، کشمیر و پاکستان انجام داده است.

ترور بی نظیر بوتو طی رقابت‌های پارلمانی در 27 دسامبر 2007 میلادی در راولپندی، انجام حملات فرقه‌ای علیه شیعیان در پاراچنار که از ابتدای 2007 به اوج خود رسید و تا سال 2012 ادامه داشت. [17]

در پاراچنار عناصر خارجی القاعده نقش مهمی در کشتار شیعیان ایفا کردند. گفته می‌شود این عملیات با همکاری مشترک القاعده و تحریک طالبان پاکستان برای رسیدن به اهداف سیاسی و ایدئولوژیک صورت گرفت.

القاعده دارای شبکه ارتباطی بسیار پیچیده و پیشرفته با استفاده از اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، و شبکه‌های ماهواره‌ای عربی، و استفاده از شبکه گوشه‌های همراه است. از سایت‌های مربوط به القاعده سایت شیخ «ابی مصعب السوری»، سایت شیخ «ابی قتاده الفلستانی»، سایت شیخ «ابی بصیر الطرطوسی»، سایت شیخ «ابی محمد المقدسی»، و «منبر التوحید و الجهاد»، است. سایت‌های «انصار المجاهدین»، و

«الفداء» نیز پیام‌های صوتی و تصویری گروه را منتشر می‌کنند.

مرکز رسانه‌های القاعده «مؤسسه سحاب» بود که بخشی از «مرکز بین المللی فجر» بود.^[18]

5. راهبرد عملیاتی القاعده

راهبرد نظامی القاعده قبل از 11 سپتامبر 2011 میلادی، بر مبنای «راهبرد تهاجمی» یعنی تکثیر بحران در کشورهای هدف از طریق حملات پرسر و صدا، بمب‌گذاری و ارباب عمومی بوده است. پس از حمله آمریکا به افغانستان و کشته شدن بسیاری از کادر رهبری القاعده، این سازمان به «راهبرد تدافعی فعال» یعنی نبرد فرسایشی و غافلگیرانه روی آورد. بعد از 2010 میلادی، و افزایش محدودیت‌های کنترلی و حملات هوایی آمریکا علیه سران القاعده، راهبرد تدافعی گروه تعمیق یافته و به سمت «راهبرد تدافعی منفعل»، جنگ‌های نامتقارن و اقدامات مخفیانه و زیر زمینی متمایل شده است.^[19]

6. تاکتیک عملیاتی- نظامی القاعده

در اواخر 2009 میلادی، فشار آمریکا و ناتو بر پاکستان موجب شد ارتش پاکستان عملکرد فعال‌تری در مقابله با القاعده داشته باشد، اما القاعده در اکثر رده‌های ارتش نفوذ دارد. در دوره جدید تحت عنوان مبارزه جهانی با تروریسم ارتش پاکستان فشار بیشتری بر القاعده وارد می‌آورد و چند تن از سران آنها را تا به حال دستگیر کرده است.^[20] اما القاعده برای حفظ خود از تاکتیک نفوذ بهره گرفته است که یکی از آنها نفوذ در نهادهای امنیتی ارتش پاکستان بوده است، بطوری که بسیاری از عملیات‌های طراحی شده توسط نهادهای امنیتی و ارتش برای بازداشت یا کشتن اعضای القاعده با شکست مواجه شده است.^[21]

7. تاکتیک فرهنگی - مذهبی

مهم‌ترین تاکتیک القاعده در عرصه منطقه‌ای نفوذ معنوی بر نهادهای فرهنگی و مدارس سنی مذهب است. اهمیت و جایگاه مساجد، دانشگاه‌ها، محافل و مدارس مذهبی پاکستان برای القاعده به میزانی است که از آن به عنوان نماد و مظهر «آموزش جنگجویان مقدس» یاد می‌شود. تعدادی از این مدارس در حال صدور بینش خاص خود از جهاد، به سراسر دنیا هستند، برای نمونه رئیس مدرسه «خدام الدین» اظهار داشته است که این مدرسه در حال آموزش دانش آموزان متعددی از کشورهای برمه، نپال، چین، بنگلادش، افغانستان،

یمن، مغولستان و کویت است. همچنین طلابی از کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، روسیه و ترکیه در مدرسه مذهبی «دار العلوم حقانیه» تعلیم می‌بینند.^[22]

8. عملکرد القاعده

القاعده همانند هر یک از دیگر گروه‌های سلفی، برجسته‌ترین عملکردش مانعیت در برابر وحدت مسلمانان است، زیرا منادی نوعی برداشت خاص از اسلام است و برداشت‌های دیگر را بدعت می‌داند. این ایدئولوژی به تکفیر غیر خودی‌ها می‌پردازد و صفوف مسلمانان را پراکنده می‌کند. اما عملکرد القاعده به مانعیت در برابر وحدت مسلمانان محدود نیست، بلکه عملکرد القاعده این گروه افراطی را به ابزاری در دست دشمنان مسلمانان تبدیل کرده است، زیرا القاعده با شعارها و عملکردهای رادیکالی موجب شد «جنگ بین اسلام و کفر» به بدبینی و «نزاع مسلمان با مسلمان» تبدیل شود که همان آرمان راهبردی صهیونیست‌ها است که همواره خواسته‌اند توجه مسلمانان به مسائلی غیر از فلسطین جلب شود.^[23]

9. عوامل پایداری و قدرت یا بی‌القاعده

القاعده با اینکه سال‌هاست هدف یورش‌های قدرت‌هایی مثل آمریکا قرار دارد، اما تا به حال موفق به پایداری و حفظ توان خود شده است. این قضیه نتیجه عوامل مختلفی است که موارد زیر را می‌توان به عنوان مهم‌ترین آنها ذکر کرد.

ایدئولوژیک بودن مبارزه: القاعده از مبانی و مفاهیم ایدئولوژیک مانند جهاد جهانی علیه ایدئولوژی‌های معارض همچون مارکسیسم استفاده کرد. داشتن سرمایه‌های بی‌پایان: سرمایه‌های هنگفت سران القاعده و حامیان آشکار و پنهان آنها موجب جذب نیرو، تأمین تجهیزات و تحرک سازمانی شده است. جذابیت حرکت‌های مسلحانه برای جوانان افراطی: جوانان سلفی رادیکال به محض آشنایی با حرکت‌های نظامی و انقلابی جذب سازمان القاعده شدند.

عملیات 11 سپتامبر 2001 میلادی، که القاعده مدعی انجام آن بود موجب محبوبیت قابل توجه آن در بین مسلمانان و زمینهای شد تا مبارزانی از مرکز، جنوب و جنوب شرق آسیا، آفریقای شمالی و شرقی، خاورمیانه، بالکان و همچنین مسلمانان مهاجر و مستقر در اروپا، آمریکای شمالی و استرالیا را به خدمت بگیرد.

راه مقابله با القاعده بسیار پیچیده و مشکل است، اما در این زمینه از دو نکته نباید غفلت کرد.

اول- استفاده از پیامدهای برخی کارهای القاعده که گریبانگیر مسلمانان شده است. برای مثال، هرچند عملیات 11 سپتامبر 2001 میلادی موجب محبوبیت القاعده، در بین مسلمانان زخم خورده از آمریکا شد، و زمینه جذب بسیاری از جوانان مسلمان به این گروه گردید، اما پیامدهای آن که متوجه افغانستان و عراق شد، و کاهش محبوبیت این گروه و طرفداران آن را در پی داشت، می تواند زمینه خوبی برای تبلیغ علیه این گروه باشد.

دوم- جلب همکاری سران قبایل و ایجاد اصلاحات اقتصادی در این مناطق است که البته امری، به لحاظ اقتصادی هزینه بر است.

11. خطر القاعده برای انقلاب اسلامی

القاعده محصول همکاری استکبار غربی، ارتجاع عرب و پاکستان است، اما امروزه عملیات 11 سپتامبر 2001 میلادی، موجب شد آمریکا وارد درگیری با این گروه شود، و کشورهایی مانند عربستان و رژیم صهیونیستی نیز به مخالفت با این گروه برخیزند، اما عربستان علی رغم اظهار مخالفت ظاهری، از القاعده حمایت می کند، چون خصوصاً بعد از 2004 میلادی، القاعده به ابزار فشار و اجرای سیاست های عربستان در عراق، لبنان و یمن تبدیل شده است. مخالفت ظاهری عربستان با القاعده نیز بخشی به خاطر این بود که بن لادن نظام سیاسی عشیره ای عربستان را همراه سیاست های ضد اسلامی آمریکا در منطقه خواند. شواهدی نیز از آموزش نیروهای القاعده توسط رژیم صهیونیستی حکایت دارد، لذا روی این مخالفت های ظاهری نمیتوان حساب کرد. خصوصاً که آمریکا میتواند به عنوان یک نیروی نیابتی از القاعده در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران استفاده کند.

از سوی دیگر، بسیاری از دشمنان اسلام با نفوذ در القاعده تلاش خواهند کرد انرژی عملیاتی آن را متوجه اهدافی در درون جهان اسلام کنند. بنا بر این هر کشور اسلامی که گرفتار بی نظمی و شورش اجتماعی خشونت بار در آینده شود، مکان بسیار مناسبی برای تجدید حیات و بقای القاعده خواهد بود. دامن زدن به جنگ شیعه و سنی و بی ثبات کردن کشورهای نا همسو با غرب از جمله سوریه، لبنان، عراق، و حتی بحرین در زمره تغییرات مأموریتی القاعده قرار خواهد گرفت.

در این میان، در بین کشورهای اسلامی، بدون شک ایران در رأس اهداف استکبار است. یکی از راه‌های گرفتار کردن ایران، گرفتار کردن آن به درگیری‌های فرقه‌ای مذهبی است، و این چیزی است که در سال‌های اخیر در دستور کار اهل سنت لجوج و تکفیری، و شیعیان ضد انقلاب یا ناآگاه به وضعیت جهان قرار گرفته است.

ناگفته نماند برخی فعالیت‌های برخی مؤسسات مدعی تقریب همانند مؤسسه اتحادیه بین‌المللی امت واحد و مؤسسه اخوت، در تحریک شیعیان ناآگاه بسیار تأثیرگذار است.

از جانب سوم، القاعده در پی دسترسی به اورانیوم غنی‌شده از طریق پاکستان است تا بتواند در عملیات انتحاری از آن استفاده کند، چیزی که پاکستان را با یک فاجعه روبه‌رو خواهد کرد.^[24] روشن است که دسترسی هر یک از گروه‌های افراطی به هرگونه سلاح هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک می‌تواند جهان اسلام، بلکه کل جهان را با یک فاجعه روبه‌رو کند.

12. رهبری القاعده

بعد از کشته شدن اسامه بن لادن، ایمن الظواهری در دوم می 2011 میلادی، رهبری جدید شبکه را بر عهده گرفت. احمد فاروق نیز سخنگوی جناح پاکستانی القاعده است.

[1] . جریان‌های افراطی پاکستان، ص 153.

[2] . جریان‌های افراطی پاکستان، ص 181.

[3] . جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 143.

[4] . جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 153.

[5] . جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 154.

[6] . جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 155.

- [7] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 155.
- [8] . جریان های تکفیری در پاکستان، ص 155.
- [9] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 149.
- [10] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 150.
- [11] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 160 و 161.
- [12] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 175 و 176.
- [13] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 178.
- [14] . ر.ک: جریان های افراطی در پاکستان، ص 176.
- [15] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 178.
- [16] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 197.
- [17] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 177 و 178.
- [18] . ر.ک: جریان های افراطی در پاکستان، ص 179 و 180.
- [19] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 186.
- [20] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 181.
- [21] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 189.

[22] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 188.

[23] . ر.ک: جریان های افراطی در پاکستان، ص 201.

[24] . ر.ک: جریان های افراطی در پاکستان، ص 190 و 191.